

# کتابت لدی الوجه حاضر و بلحاظ عنایات مالک اسماء مشرف ...

حضرت بهاء الله

اصلی فارسی



رقم (17) - من آثار حضرت بهاء الله - کتاب اقتدارات - صفحه 223  
- 226

( 17 )

## بنام یگا خداوند مهربان

کتابت لدی الوجه حاضر و بلحاظ عنایات مالک اسماء مشرف طوبی لنفس حضر لدی العرش کتابها بعد از  
نهیست عن التوجه الیه بما اکتسبت ایدی الظالمین کلمه ای در کتابت مشاهده شد که فی الحقیقه کلمه تامه بوده و  
هست اگر نفسی موفق بر عمل باو شود کل خیر را ادراک نماید و آن اینست یا مولای یا مقتدای مقاصدی  
رضاک از خدا بخواه بر اینکلمه ثابت باشی طوبی لمن شرب من هذه الکأس و کان من العارفين کرم حق لا  
یحصى و فضلش بی منتهی ابدأ تعطیل در فیض فیاض نبوده و نیست حوائج کل را اجابت فرموده و خواهد  
فرمود اینکه در بعضی احوان تأخیر شده لاجل مصلحت آن نفس بوده البته باحسن از آنچه خواسته فائز شود و  
لکن از برای نفوسیکه فی الحقیقه برضایش متمسکند مقامی دیگر مقدر است طوبی لهم ثم طوبی لهم و کان فی  
کتابک اری السماء و الارض و البحر الی آخرها کلهآ آثار قدرتک نخط جری من قلبک فلا حاجة ان استدعی  
بک لارسال خطک انتهی



ORIGINAL

بلی در یک مقام اطلاق این شأن بر کل اشیاء شده و میشود یعنی در کل حرکت قلم صنعیه الهیه ظاهر و مشهود و اولو الابصار بدیده ظاهر و باطن مشاهده مینمایند و لکن وجود کل بحرکت قلم اعلی معلق و شرافت کل بنسبتیه الیه بوده لذا کل محتاج بوده و خواهند بود موحد آنست که کل را مظاهر آیه اولیه حق داند و در کل ظهورات اسمائیه و صفاتییه او را مشاهده نماید و آن آیه را مقدس از کل و حاکم بر کل مشاهده نماید تا چه رسد بنفس حق تعالی من ان یقترن بخلقه او یعرف بما سویه اگر نسبت را از وجود بردارد معدوم صرف خواهد بود چه جای آنکه مظهریت بر او اطلاق شود کل باو موجود و قائم و او از کل مقدس و منزله لا اله الا هو الغنی المتعال ذکر مقام ابون در دار آخرت نموده بودید یکی از فضلهای مخصوصه این ظهور آنست که هر نفسیکه بمطلع امر اقبال نمود ابون او اگر چه بایمان بظهور فائز نشده باشند پرتو آفتاب عنایت الهیه ایشانرا اخذ فرماید هذا من فضله علی احبائه اشکر و کن من الحامدین

اوصیکم یا احبائه الله بالامانة الكبرى بین عبادی و خلقی لان بها یرتفع امر الله فیما سویه و ینظر تقدیس امره بین العالمین کونوا امناء بین العباد کذلک وصیناهم فی الالواح ان ربک لهو العلیم الحکیم قل توکلوا فی کل الامور علی الحق الغفور انه یعطى من یشاء ما یشاء و یمنع عن یشاء ما اراد انه لهو المقتدر القدیر لا تحزنکم شیء و نات الدنیا قد قدر لکم ما لا یعادلہ شیء فی الابداع ان کنتم من العارفین استقیموا علی الامر علی شأن لا یزلکم اریاح المضلین